

۱۱۱۹۷۱۹
۹۵,۱,۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پارلمان ملی

پروسیس و دستگیری های سیاسی مجلس اول شورای ملی ایران

مؤلفه

دکتر محمدامین رزق زنجانی



شعاع

سرشناسه	: نژد نجفیان، محمدامین.
عنوان و نام پدیدآور	: پارلمان ملی : بررسی سمت گیری های سیاسی مجلس اول شورای ملی ایران
موضوع	: تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۰۷-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیهیای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شماره کتابخانه ملی	: ۳۷۷۴۵۰



شعار

پارلمان ملی

بررسی سمت گیری های سیاسی مجلس اول شورای ملی ایران

مؤلف: دکتر محمدامین نژد نجفیان

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۴۴۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۰۷-۳

فهرست مطالب

پیشگفتار (رهیافت تاریخی).....	۹
مشروطه و پیش زمینه‌های آن.....	۹
زمینه‌های فکری (فکری) مشروطیت در ایران.....	۱۰
۱) پیاس از پسرهای نو.....	۱۰
۲) انتشار مطالب انتقادی درباره اوضاع ایران.....	۱۴
۳) تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان.....	۱۸
۴) ریشه‌های دینی.....	۱۸
زمینه‌های عملی مشروطیت در ایران.....	۱۹
۱) سیاسی.....	۱۹
۱- الف- شکست برنامه‌های نوسازی و احطاط حکومت.....	۱۹
۱- ب- سلطه خارجی.....	۲۳
۲- اقتصادی.....	۲۵
۲- الف- انحطاط اقتصاد خارجی.....	۲۵
۲- ب- انحطاط اقتصاد داخلی.....	۲۶
شورش‌ها و جنبش‌ها.....	۲۸
طبقات، اقشار و گروه‌های اجتماعی ایران در آستانه مشروطه.....	۳۲
سیر وقایع منتهی به انقلاب مردمی.....	۳۷
نگاهی کلی به جریان‌های فکری و سیاسی در دوره مشروطه.....	۴۰
مشروطه ایران.....	۴۱
اهمیت مجلس اول.....	۴۱
مقدمه.....	۴۵
نگاهی به ابعاد مختلف موضوع پژوهش.....	۴۵

۴۶	بررسی و نقد منابع
۵۰	پیشینه تحقیق
۵۳	فصل اول
۵۳	مجلس اول و قانون
۵۵	الف) جریان شکل‌گیری مجلس اول و نظام‌نامه انتخاباتی آن
۵۵	۱- چرخش از عدالتخانه به مجلس شورای ملی
۵۷	۲- نظام‌نامه انتخاباتی مجلس اول
۶۰	۲- روند انتخاب نمایندگان مجلس و مشکلات آن
۶۴	ب) تصویب قانون اساسی مشروطه
۶۴	۱- گزارش ایاز سیر تدوین قانون اساسی مشروطه و کشمکش‌های آن
۷۲	۲- اتخاذ قانون اساسی و نگاهی به مهم‌ترین مفاد آن
۷۴	ج) تصویب منبر قانون اساسی
۷۴	۱- ضرورت منبر
	۲- گزارش‌هایی از سیر تدوین منبر منتم قانون اساسی و مخالفت مشروعه خواهان و دربار
۷۵	با آن
۸۴	۳- نگاهی به مهم‌ترین مفاد منتم قانون اساسی و مآخذ آن
۸۸	د) روال داخلی مجلس اول و تصویب نظامنامه داخلی آن
۹۴	ه) تصویب سایر قوانین پایه
۹۴	۱) قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام
۹۵	۲- قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۹۸	۳- قانون عدلیه و اصول محاکمات
۹۹	۴- تلاش مجلس برای قانونمند کردن امور نظامی کشور
۱۰۰	جمع‌بندی
۱۰۳	فصل دوم
۱۰۳	مجلس اول و دموکراسی
۱۰۴	الف) بررسی سمت‌گیری‌های سیاسی مجلس اول در رابطه با کابینه‌های معاصر
۱۰۴	۱) کابینه میرزا انصاری مشیرالدوله
۱۰۶	۲) کابینه سلطان علی‌خان وزیر افخم
۱۰۹	۳) کابینه میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان (اتابک)
۱۲۰	۴) کابینه نخست میرزا احمد مشیرالسلطنه

۱۲۲	۵) کابینه میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک فراگوزلو
۱۲۴	۶) کابینه حسین قلی خان نظام السلطنه مافی
۱۲۷	۷) کابینه دوم مشیرالسلطنه
۱۲۸	۸) تأکید و نظارت بر مسئولیت‌های پارلمانی دولت از سوی مجلس
۱۳۴	ب) دسته‌بندی‌های سیاسی مجلس اول
۱۴۱	جمع‌بندی
۱۴۳	فصل سوم
۱۴۳	مجلس اول و استبداد داخلی (شاه)
۱۴۴	الف) چالش مجلس اول و شاه تا کودتای اول (واقعه میدان توپخانه)
۱۴۵	۱- محمد علی شاه؛ تزلزل از همراهی ظاهری تا مقابله ضمنی
۱۵۱	۲- هفت محفل محمد علی شاه از به قدرت رساندن اتابک
۱۵۵	۳- تقلیل بودجه سلطنتی از سوی مجلس و ایراد سوگند از سوی شاه
	ب) چالش مجلس اول و شاه از کودتای اول تا پایان کودتای دوم (به توپ بستن مجلس)
۱۵۸	۱- کودتای اول بر علیه مجلس و اجرائی میدان توپخانه/کودتای ذیقعد ۱۳۲۵ ق.
۱۷۰	۲- بهانه یافتن شاه پس از واگذاری اختیارات (بمب اندازی)
۱۷۸	۳- وابستگی شاه به روسیه
۱۹۴	۵- فرجام کار چالش مجلس اول و شاه (تخلیه مجلس اول)
۱۹۷	۶- تحلیل‌هایی از چالش مجلس اول و شاه
۲۰۳	فصل چهارم
۲۰۳	مجلس اول و استبداد داخلی (حکام و متنفذین محلی)
۲۰۴	۱- کلیاتی نسبت به سمت‌گیری مجلس اول در رابطه با مساجدین محلی
۲۰۹	۲- اقدامات مجلس در مقابله با آصف‌الدوله و سالار مفخم بجنوردی
۲۱۶	۳- اقدامات مجلس در مقابله با حاج آقا محسن عراقی
	۴- اقدامات مجلس در مقابله با رحیم‌خان جلبیانلو (سردار نصرت) و پسرش بیوک‌خان
۲۱۹	
۲۲۵	۵- اقدامات مجلس در مقابله با قوام‌الملک شیرازی
۲۳۶	جمع‌بندی
۲۳۹	فصل پنجم
۲۳۹	مجلس اول و استعمار خارجی

الف) مداخلات اقتصادی نیروهای خارجی و سمت‌گیری مجلس اول در این رابطه ۲۴۰

۱- مسأله امتیازات استعماری..... ۲۴۰

۲- مسأله استقراض خارجی..... ۲۴۶

۳- مخالفت با حضور مستشاران خارجی وابسته..... ۲۴۷

ب) مداخلات سیاسی نیروهای خارجی و سمت‌گیری مجلس اول در این رابطه..... ۲۵۳

۱- مداخلات سیاسی روس و انگلیس و رویکرد مجلس اول..... ۲۵۵

۲- اوج استعمار روس و انگلیس (قرارداد ۱۹۰۷ م.)..... ۲۶۵

۳- درضایتی استبداد عثمانی از مشروطه ایرانی..... ۲۶۹

ج) مداخلات نظامی نیروهای خارجی و سمت‌گیری مجلس اول در این رابطه..... ۲۷۰

۱- تحرور شمالی به غرب آذربایجان..... ۲۷۱

۲- تجاوز روسیه به بیله سوار..... ۲۷۵

۳- نقش اعدای تیپ قزاق در دوره مجلس اول..... ۲۸۰

د) مراودات در شأنه بین‌المللی مجلس اول..... ۲۸۷

جمع‌بندی..... ۲۹۱

فصل ششم..... ۲۹۳

مجلس اول و آنا‌رشیسم داخلی..... ۲۹۳

الف) کلیاتی درباره جبهه افراطیون (تندروان) - سمت‌گیری مجلس اول در این رابطه

..... ۲۹۳

۱- شناخت جبهه مشروطه‌خواهان تندرو..... ۲۹۳

۲- نمایندگان تندرو..... ۲۹۷

۳- مطبوعات تندرو..... ۲۹۸

۴- رویکرد مجلس در قبال جبهه تندروان..... ۳۰۰

ب) مسأله انجمن‌ها و سمت‌گیری مجلس اول در این رابطه..... ۳۰۷

۱- نگاهی به انجمن‌ها در دوره مجلس اول..... ۳۰۷

۲- دیدگاه چند تن از محققین و ناظران پیرامون انجمن‌های این دوره..... ۳۱۵

۳- رویکرد مجلس در قبال انجمن‌ها..... ۳۲۱

ج) مسأله ناامنی و سمت‌گیری مجلس اول در رابطه با آن..... ۳۲۴

۱- ریشه‌های ناامنی..... ۳۲۴

۲- اشکال ناامنی‌های این دوره و نمونه‌های آن..... ۳۲۶

۳- رویکرد مجلس در رابطه با مسأله ناامنی..... ۳۳۲

۳۳۸.....	جمع‌بندی
۳۴۱.....	نتیجه‌گیری
۳۵۱.....	ضمایم
۳۵۱.....	ضمیمه (۱) - اسامی نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی ایران
.....	ضمیمه (۲) - خطابه مظفرالدین شاه قاجار در روز افتتاح مجلس اول شورای ملی ایران (۱۸ شعبان ۱۳۲۴ ه. ق.)
۳۵۳.....	ضمیمه (۳) - ابیاتی در افتتاح اولین دوره مجلس شورای ملی ایران
۳۵۵.....	ضمیمه (۴) - قانون اساسی (نظام‌نامه اساسی) مشروطه
۳۵۵.....	در تشکیل مجلس
۳۶۲.....	ضمیمه (۵) - متمم قانون اساسی مشروطه
.....	ضمیمه (۶) - یک نمونه از تلگرافات آیات ثلاث نجف در تشیید مبانی مشروطه و تأیید آن
۳۷۲.....	و کرد مجلس اول
۳۷۴.....	ضمیمه (۸) - گزارش بالکونیک لیاخوف به ستاد کل منطقه نظامی قفقاز
.....	ضمیمه (۹) - بن قناتل انجمن‌های تندرو مبنی بر لزوم استعفای احتشام السلطنه از ریاست مجلس
۳۷۵.....	
۳۷۷.....	فهرست منابع

پیشگفتار (رهیافت تاریخی)

مشروطه و پیش زمینه‌های آن

در تاریخ ایران چندین اتفاق حیاتی موجب پدید آمدن مقاطعی اساسی گردیده و تاریخ این سرزمین را از دوره‌ای به دوره دیگر رهنمون ساخته است. می‌توان گفت مهم‌ترین حادثه و اساسی‌ترین جریان پس از سقوط ساسانیان و ورود اسلام به ایران وقوع مشروطیت در ایران است که پیش زمینه‌های انقلاب دوازده ساله جنگ‌های ایران و روس بوجود آمد که بر عمر دوره میانه تاریخ ایران مهر خاتمه زده و تاریخ این سرزمین را در دوران نوین و عصر جدید خود نموده است. شکست‌های ایران در جنگ با روسیه و عهدنامه‌های تسلیم و ترکمانچای اولین «تکانه‌های ذهنی و روانی» را در تفاوت ایران عقب مانده و روسیه پیشرفته پدید آورد و کنش‌های برخی از مردان سیاسی و نخبگان فکری وارد آورد. البته باید توجه داشت که تحریکات عطاوت جامعه ایرانی در ابعاد مختلف مدت‌ها پیش از آن با پوسیدگی حکومت صفوی و خصوصاً پس از سقوط اصفهان شروع شده بود.^۱

در زمان حکومت قاجارها ایران بسیار ناتوان شد و از بزرگ‌ترین مایه‌های آوازه آن بسیار کاسته شد، علت آن بیش از همه یک چیز بود آن این که جهان دگر شده و کشورها به تکان آمده ولی ایران به همان حال پیشین باز مانده بود. «از دوره مرگ کریم‌خان زند تا مرگ فتح علی شاه قاجار» - که دوره‌ای پنجاه و پنج ساله بود - در اروپا تحولات مهمی به وقوع پیوسته بود انقلاب فرانسه با اهداف آزادیخواهی و مردم‌سالاری بروز کرده و رشد سیاسی و نظامی و فن آوری، که در نتیجه آن‌ها دول بزرگ و نیرومندی پایه عرصه نهاده بودند. اما ایران از آن تحولات و تکان‌ها ناآگاه و بی‌بهره مانده بود. نتیجه این وضعیت این بود که دو دولت نیرومند و توسعه طلب یکی در شمال و دیگری در جنوب ایران پیدا شده و ایران ناتوان و ناآگاه در میان آن‌ها مانده بود. «و راستی آن که برای چنان زمانی پادشاهان کم جریزه‌ی قاجاری شایسته سر رشته داری نبودند.»^۲

^۱ علی اصغر حقدار، مجلس اول و نهادهای مشروطیت، تهران: مهرنامک، چ اول، ۱۳۸۳، صص ۱۶-۱۵.

^۲ احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تبریز: اختر، چ دوم، ۱۳۸۵، صص ۱۶-۱۷.

زمینه‌های نظری (فکری) مشروطیت در ایران

۱) **پیدایش اندیشه‌های نو:** از اوایل دوره قاجار، به دنبال گسترش رفت و آمدهای ایرانیان به خارج از کشور و نیز توسعه روابط بین‌المللی ایران، عده‌ای از ایرانیان کم و بیش از آنچه در سطح جهان در جریان بود آگاهی یافتند و به نشر افکار نوین پرداختند. این گروه که بعدها **روشنفکران**^۱ نامیده شدند را می‌توان **پیشقراولان فکری انقلاب مشروطه** به شمار آورد.

"میرزا فتحعلی آخوندزاده" (۱۲۹۵-۱۳۲۷ ه. ق.) را شاید بتوان "اولین روشنفکر مهم ایران" دانست. وی به به ادبیات و زبان‌های فارسی، ترکی، عربی و روسی آشنایی داشت. منادی تغییر القبا و پیشرو مکتب سکولاریسم با دیدگاه‌های آشکار انتقادی نسبت به روحانیت شیعی بود که منشأ بسیاری از مفاهیم عصر مشروطه‌خواهی - آموزش سکولار، بازسازی اخلاقی، عناد با موهوم پرستی و ... - را می‌توان در نوشته‌های وی یافت. وی در یکی از آثارش به نام "مکتوبات کمال‌الدوله" بر ناصرالدین شاه به خاطر بهامان‌های خود، مهم‌ترین سهم آخوندزاده را در انقلاب مشروطه، می‌توان انتقادهای اجتماعی و رطایی نمایشنامه‌های جدید و با زبانی محاوره دانست. این نمایشنامه‌ها سراسر نقد اوضاع فکر، وادارقی و اجتماعی و سیاسی مشرق به‌طور عام و ایران به‌طور خاص بودند. در این آثار، آخوندزاده از مسائل، از حکام و همچنین از خرافات و موهومات و باورهای ضدعلمی و غیرمنطقی که در ذهن مردمان ریشه دوانیده بود، انتقاد کرده و پرده برداشت. وی نخستین نمایشنامه‌نویس در جهان اسلام و بلکه در آسیا می‌باشد.^۲

"میرزا ملکم‌خان" ملقب به ناظم‌الدوله (۱۳۲۶-۱۳۴۹ ه. ق.) را می‌توان اولین منادی مهم حکومت مشروطه در ایران دانست، هرچند که ناتوانی‌های سالخوردگی‌ساز از آن شد که خودش فعالانه در انقلاب ایفای نقش کند.^۳ وی در خانواده‌ای ارمنی زاده شد. ابتدا به بعدها به اسلام گرویدند. وی که از نظر سیاسی زندگی پرفراز و نشیبی داشت، کوشش‌های اصلاح‌طلبانه و ترقی خواهانه خود را از اوایل عصر ناصری با نگارش رساله معروف "کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات" و

^۱ در بخش "طبقات و گروه‌های اجتماعی ایران در آستانه مشروطیت، به بررسی کلی گروه روشنفکران خواهیم پرداخت. در اینجا نگاهی اجمالی داریم به آرای چند تن از مهم‌ترین روشنفکران ایران که زیربنای فکری مشروطیت را فراهم آوردند.

^۲ عباس امانت، زمینه‌های فکری آمدن درج در کتاب: انقلاب مشروطیت (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا)، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه بهمن متین، تهران: امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۸۳، صص ۳۳-۳۲ و داریوش رحمانیان، تاریخ عبت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین، تبریز: مؤسسه سه علامه دانشگاه تبریز، چ اول، ۱۳۸۲، صص ۵۷-۵۶.

^۳ پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمسی‌اوری و محسن مدیرشانه چی، تهران: مرکز، چ یازدهم، ۱۳۸۶، ص ۶۳.

تأسیس انجمن فراموش خانه شروع کرد، انجمنی که چندی بعد ناصرالدین شاه فرمان انحلال آن را صادر کرد، چون زمره‌های جمهوری‌خواهی از آن به گوش می‌رسید. واژه‌های کلیدی نظیر "قانون"، "اصلاحات"، "مجلس شوری"، "ملت"، "ملی" و "حقوق ملت" را برای اولین ملکم‌خان در کتابچه غیبی مطرح کرد. این کتاب که در سال ۱۲۷۵ ه. ق. نگارش شد، اولین توصیف نظام‌مند در خصوص نظام مشروطه در ایران است. وی از سال ۱۳۰۷ ه. ق. شروع به انتشار روزنامه "قانون" نمود که چاپ آن با فواصلی تا اوایل سلطنت مظفرالدین شاه ادامه داشت. چاپ این روزنامه در افزایش بیداری و هشیاری ملی و گسترش و تعمیم نظریه "استبداد عامل عقب‌ماندگی و انحطاط" بین ایرانیان در اندیشه قانون‌خواهی تأثیر بسزا و کم نظیر داشت. در دهه قبل از انقلاب مشروطه، تمرکز مبهم از یک تشکیلات قانونگذاری و یک قانون مدون، تفکیک قوا و وکالت مردمی وجود داشت و روزنامه قانون بخشی اساسی در جا انداختن این مفاهیم داشت.^۱

"میرزا یوسف مستشار دوله" (۱۳۱۳-۱۲۳۹ ه. ق.) که یک عمر از طرف وزارت خارجه به نقاط مختلف جهان -پاریس، لندن، پطربورگ، قلیس و...- اعزام شده بود و در این مأموریت‌ها با تمدن غربی آشنا شده و ترقیات اروپا را نزدیک دیده بود، در اواخر عمر مغضوب و مطرود دستگاه استبداد قرار گرفت و حتی به زندان هم افتاد. وی یکی از مشهورترین اندیشه‌گران و روشنفکران دوره قاجار می‌باشد که شهرت و نفوذ وی را در جامعه غالباً به‌خاطر رساله "یک کلمه" دانسته‌اند، که بر معاصران مستشارالدوله و در نسل‌های بعدی تأثیر شگرف نهاد و از پرخواننده‌ترین کتاب‌های دوران انقلاب مشروطه بود. وی در این کتاب با ارائه نوآوری از قرآن و حدیث به تشریح همخوانی اسلام با آزادی و برابری پرداخته است. همچنین اصول، سیاست و حکومت غربی را با اصول آموزه‌های اسلامی تطبیق کرده و آن‌ها را سازگار شناخته است. بیان کرده است که میان حقیقت اسلام با ترقی و مدنیت هیچ اختلافی نیست. در واقع هدف مستشارالدوله انگارش یک کلمه این بود که نشان دهد رمز رشد و ترقی غربی‌ها در یک کلمه یعنی قانون است.^۲

"میرزا آقاخان کرمانی" (۱۳۱۴-۱۲۷۰ ه. ق.) را نخستین پیشرو تفکر "سوسیال دموکراسی" در ایران دانسته‌اند.^۳ وی به واسطه نارضایتی از دولت و اوضاع ایران، کشور را ترک کرده و حدود ده سال در استانبول اقامت گزید و در آنجا با محافل روشنفکری و تجددگرای ایرانی و ترک‌آشنایی و

^۱ امانت، ص ۳۱ و رحمانیان، صص ۷۸-۷۶.

^۲ امانت، ص ۳۲ و رحمانیان، صص ۱۰۷-۱۰۶.

^۳ فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام، چ اول، ۲۵۳۵، ص ۲۷۰.

پیوند یافت، از جمله با روزنامه "اختر" همکاری کرده و مقاله‌های انتقادی دربارهٔ اوضاع و احوال ایران در آن به چاپ رساند. کرمانی از مریدان سید جمال‌الدین اسدآبادی و حامی و همکار ملک‌خان بود. پس از ترور و قتل ناصرالدین شاه، وی از جمله کسانی بود که متهم به مشارکت در توطئه قتل گردید و با فشار دولت ایران، دولت عثمانی وی را (به همراه شیخ احمد روحی و میرزا حسن خبیرالملک) به ایران تحویل داد، آن‌ها را به تبریز آوردند و به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد به قتل رساندند. پس از این از وی به‌عنوان "شهید ستمشاهی قاجار" یاد شد و جایگاه رفیعی را در شجرهٔ روشنفکری انقلاب مشروطه به خود اختصاص داد. وی با برجای نهادن حدود بیست کتاب رساله از برجسته‌ترین روشنفکران و نویسندگان دورهٔ قاجار به شمار می‌رود، با این وجود دارای شهرتی در خور نمی‌باشد، شاید علت آن این است که اغلب آثار او هنوز چاپ نشده و به‌صورت خطی بای مانده‌اند. کرمانی از مدافعین ضرورت نظام مشروطه بود و حتی وقوع انقلاب مردمی را پیش‌بینی کرده بود. وی از لحاظ نظری دو دورهٔ متفاوت را سیری کرد. در ابتدا وی ریشهٔ اصلی انحطاط ایران را دین سحراف می‌کند، در این دوره وی از لحاظ فکری نزدیک به افکار آخوندزاده ارزیابی می‌شود. دو رسالهٔ مهم «مه مکتوب» و «صد خطابه» محصول این دورهٔ فکری اوست. همچنین تأکید کرمانی بر ریشه‌های ادیان پیش از اسلام به‌عنوان منبعی برای بیداری ملی، تأثیرات بسزایی بر نوشته‌های دورهٔ مشروطه خواهی نهاده. اما پس از برخورد با اسدآبادی، در دیدگاهش نسبت به اسلام تجدید نظر کرد و پس از آن با دیگر تجددگرایان مسلمان، انحراف از حقیقت اسلام را عامل اصلی عقب ماندگی ایرانیان و مسلمانان ساخت.^۱

"میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی" (۱۳۲۹-۱۲۵۰ ه. ش.)، نا‌یونانست معتدل که از جمله شاخص‌ترین نویسندگان روشن اندیش عصر قاجار می‌باشد. وی در نوجوانی از موطنش تبریز به داغستان رفته و تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد. وی با شوقی وافر از آغاز جوانی با پایان عمر به فراگیری دانش پرداخت و آثار متنوعی را از خود بر جای گذاشت. با وجود آن که طالبوف در ایران نبود، اما همهٔ آثار خود را به زبان فارسی ساده و همه فهم می‌نوشت و در آن‌ها هدفش آشنا کردن ایرانیان با علوم و افکار جدید بود. وی در خصوص نهادهای سیاسی و اجتماعی اروپای نوین قلم زد که مخاطبین بسیاری یافت. تشریح جذاب وی از علوم اروپایی، عقب‌ماندگی فنی و حرفه‌ای ایرانیان را که در دورهٔ مشروطه خواهی سخت درخور سرزنش دیده می‌شد، به وضوح برای خوانندگان عامی روشن می‌کرد. علاوه بر وجه اندیشگی، طالبوف از شأن دیگری هم برخوردار بوده و آن هم

^۱ امانت، ص ۳۳ و رحمانیان، صص ۱۷۶-۱۷۹.

نقادی‌های سیاسی و اجتماعی تیزبینانه وی از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران است که این مورد از دیگر عوامل فکری وقوع مشروطه در ایران می‌باشد. وی با توجه به شهرتی که داشت، پس از پیروزی مشروطه از سوی مردم تبریز به نمایندگی مجلس اول برگزیده شد، ولی به سبب کهولت سن و بیماری یا به سبب تکفیری که - با تحریک شاهزاده کامران میرزا- شده بود، طالبوف که از بانیان فکری مشروطیت ایران بود، هرگز به ایران نیامد.^۱

"سید جمال‌الدین اسدآبادی" (۱۳۱۴-۱۲۵۴ ه. ق.) اولین نواندیش دینی و احیاگر اسلامی مهم جهان اسلام بوده است که تمام نحله‌های جریان نواندیشی دینی (تجددگرایی اسلامی) تا به حال به نحوی و در باطنی متأثر از آرا و افکار وی بوده‌اند. همچنین برخی تأثیر اندیشه و عمل وی را به حدی می‌دانند که او را بنیانگذار و محرک نهضت‌ها و خیزش‌های انقلابی در جهان اسلام در یکنویم قرن اخیر می‌دانند. وی را در بسیاری از نقاط جهان با لقب و ملیت "افغانی" می‌شناسند، اما بر پایه اسناد متقن در ایرانی بودن وی تردیدی نیست. علت این اشتباه هم این بوده که گویا وی در طول زندگی پر ماجرا و سفرهای متمادی، در بسیاری از جاها به خاطر مصالحی ملیت واقعی خود را آشکار نمی‌کرده است. گذشته از فعالیت‌های سیاسی، اسدآبادی در روزگاری می‌زیست که از یک سو ترقی و اقتدار غرب و از سوی دیگر ضعف و انحطاط شرق اوج و مدت بی‌سابقه‌ای گرفته بود. اندیشه و باور دینی مورد هجوم مکاتب مادی قرار گرفته بود و نهی اسلام ستیزی پدیدار شده بود. در ایران و جهان اسلام گروهی پیدا شده بودند که در کوره ستیز با اسلام و تاراج دادن دین و آیین و تقلید مطلق از غرب می‌دمیدند. از سوی دیگر عده‌ای نیز غرق در گرداب تقلید و پیروی از افکار و احوال جدید، یکسره بر مقوله انحطاط و عقب ماندگی چشم بسته و به تحریم، تکفیر و تفسیق دلخوش کرده بودند. سیدجمال با زبان قلم خویش، با هر دو گروه، که در یک نقطه کمال پیوند و اشتراک داشتند، در افتاد. نقطه پیوند آن‌ها، جهل و اندیشه خشک و دانش تقلیدی بود که آن‌ها را از بررسی حقیقی و جدی و تریبخش از ترقی و انحطاط ناتوان می‌ساخت. بزرگترین دل مشغولی سیدجمال در تمام طول زندگیش، انحطاط و عقب‌ماندگی و اصلی‌ترین تلاش فکریش، علت‌شناسی و شناخت راه برون رفت از آن بوده است. سیدجمال از دو جهت با اندیشه‌های نوین غربی نزدیک بوده است، اولاً به جهت این که وی به اندیشه ترقی مجهز بود، ثانیاً این که وی به نقادی مداوم اندیشه‌ها و باورهای پیشینیان اعتقاد داشته و با گذشته پرستی به شدت مخالف بوده است.^۲ بررسی اندیشه و عمل سیدجمال مجال بسیار

^۱ امانت، ص ۳۴ و رحمانیان، صص ۱۹۸-۱۹۷.

^۲ رحمانیان، صص ۱۲۱-۱۱۵.

فراخ می‌طلبد و تنها نکته‌ای که نباید فراموش کرد، این است که از لحاظ اندیشه و عمل وی دارای دیدی فراملی و فرا وطنی بوده و مشکلات و مسائل ایران را در پیوند با مشکلات جهان اسلام می‌دیده است و بنابراین دنبال اقدامات و راه‌کارهایی در چارچوب جهان اسلام بوده است و به همین خاطر تأثیرات و آوازه وی تا به امروز در بسیاری از نقاط پهنه اسلامی باقی مانده است. علاوه بر تأثیر عام (مبارزه فکری و عملی با استبداد و استعمار) وی بر انقلاب مشروطیت ایران، به‌طور اخص هم تأثیر گذاشت بطوری که می‌توان اذعان نمود که اسدآبادی از سازندگان بنای اتحاد بین عناصر مذهبی (به‌ویژه روحانیون مترقی) با عناصر تجددگرا و روشنفکر بوده است.^۱ این اتحاد را که آبراهامیان به تعبیر دیگر با عنوان اتحاد طبقه متوسط سنتی با طبقه متوسط جدید یاد می‌کند، از عوامل مهم وقوع مشروطیت در ایران می‌داند.

علاوه بر تأثیرات این تفکر، در عصر ناصری ده‌ها اثر غربی، به خصوص در زمینه ادبیات و رمان، به زبان فارسی ترجمه شدند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌هایی چون رابینسون کروزوئه، سه تفنگدار، ماجراهای حاجی بابا، تاریخ ایران سرجان مالکم و ... اشاره کرد. با وجود آن که بسیاری از این ترجمه‌ها با سفارش شخص شاه صورت می‌گرفت، اما باید توجه کرد که این آثار ناخواسته با ترسیم تفاوت‌های فاحش بین پادشاهان نامدار ایران و بین فقر ایران با ثروت اروپا و مسائلی از این قبیل، تأثیری مستقیم بر رشد فکری مردم و تأثیری غیرمستقیم بر وقوع مشروطیت داشته‌اند.^۲

پیدایش و رواج "دبستان"ها در ایران، از جمله زمینه‌های رشد اندیشه‌های نو و همچنین از جمله نشانه‌های بیداری عمومی بوده است. تأسیس دبستان در ایران از سال ۱۲۱۴ ه. ق. (۱۲۷۵ ه. ش.) - آغاز دوره مظفری- بود که میرزا حسن رشیدی، نخست در تبریز و سپس در تهران بانی آن شد و تحول بزرگ در نظام آموزشی ایران از شکل سنتی به شیوه‌های نوین بود. پس از چندین سال در سایه روی آوردن مردم، دبستان‌های مختلفی بنیاد یافتند. پشتیبانی دو تن از روحانیون مترقی، سید محمد طباطبایی و شیخ هادی نجم‌آبادی- عامل مؤثری در فروکش کردن مخالفت‌های متحجرین بود. دبستان‌ها که محل تعلیم علوم و افکار جدید بودند، سال به سال افزون‌تر می‌گردیدند به‌طوری که در آستانه مشروطه کمتر شهری در ایران بود که چند دبستان در آن نباشند.^۳

۲) انتشار مطالب انتقادی درباره اوضاع ایران: که شاید در نگاه اول دارای قرابت با مبحث

^۱ نیکی- آر کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم، چ دوم، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸.

^۲ آبراهامیان، ص ۵۲.

^۳ کسروی، صص ۵۱-۵۰.

قبلی یا جزئی از آن به نظر برسد، اما باید توجه داشت که پیدایش اندیشه‌های نو بیشتر از جایگاهی فلسفی، دینی و علمی برخوردار بوده و توسط روشنفکران عصر قاجار به صورت تدریجی از دهه‌ها سال قبل از وقوع مشروطیت مطرح شده بودند (مثلاً برخی از آثار آخوندزاده حدود نیم قرن پیش از مشروطه نوشته شده‌اند) و باعث رشد فکری و معلومات عمومی گردیدند. اما مطالب انتقادی در سال‌های نزدیک به وقوع انقلاب مردمی و غالباً از جایگاهی سیاسی برخوردار بوده و عموماً در شکل روزنامه (و البته چند کتاب مهم) بوده‌اند. با این وجود باید اذعان نمود که گاهی شناخت مرز بین اندیشه‌های نو و نوشته‌های انتقادی کاری مشکل می‌شود. هدف از انتشار این قبیل نوشته‌ها در داخل و خارج از کشور، عمدتاً زیر سؤال بردن وضعیت وقت کشور بوده است.

در میان نوشته‌های انتقادی "روزنامه‌ها" جایگاه نخست را به خود اختصاص می‌دهند. باید توجه داشت که منظور از روزنامه در این دوران نشریاتی بود که به شکل ادواری و با فواصل زمانی مشخص منتشر می‌شدند. تا قبل از مشروطه به نظر نمی‌رسد که هیچ نشریه‌ای هر روز دائماً منتشر شده باشد و منظور از روزنامه بیشتر قطع آن‌ها بوده است، بنابراین تعریف روزنامه در آن زمان تا حدودی با زمان حاضر تفاوت می‌کرده است.

هرچند که درصد افراد باسواد در دوره قاجار اندک بوده است، اما به نظر می‌رسد روزنامه‌های منتقد با تأثیری که بر افراد باسواد - که خطیبان و سخنوران هم جزء آن‌ها بودند می‌گذاشتند - غیرمستقیم بر آگاهی عمومی هم می‌افزودند. تاریخچه مطبوعات در ایران دارای سرگذشتی پرفراز و نشیب می‌باشد، از زمانی که نخستین نشریه در ایران پدید آمد (کنذ اخبار توسط میرزا صالح شیرازی در دوره محمدشاه قاجار) تا دهه‌ها سال تنها نشریات موجود، نشریات دولتی بودند که به انعکاس اخبار رسمی می‌پرداختند. با وجود آن که این نشریات از مخاصمان محدودی برخوردار بوده و تنها مقامات دربار، دولتمردان، مستمری بگیران دولت، اشراف و ملاکین، اخبار مشترکین آن‌ها بودند، اما کاملاً هم بدون تأثیر نبودند و اخبار خارجی و برخی مقالات علمی که منتشر می‌کردند تا حدی - البته محدود - باعث افزایش آگاهی می‌شد. البته دو مشکل اساسی نداشتن مخاطبین غیردولتی و رسمی بودن اخبار باعث محدودیت تأثیر آن‌ها می‌شد. از اواخر عصر ناصری برای اولین بار با پدیده‌ای تازه مواجه می‌شویم و آن به وجود آمدن **نشریات غیردولتی** است که دارای مشی نافذانه و در برخی موارد حتی افشاگرانه بودند. طبیعی است که به دلیل وجود دستگاه استبدادی در ایران این نشریات در خارج از کشور منتشر می‌شدند اما بسیاری از شماره‌های آن‌ها برای مخاطبین ایرانی به داخل کشور فرستاده می‌شد. روزنامه "اختر" چاپ استانبول در زمان جنبش تنباکو نقش

بارزی را با افشاگری‌های خود در آگاهی عمومی و انتقاد از قرارداد توتون و تنباکو ایفاء کرد.^۱ روزنامه "قانون" چاپ لندن که به همت ملکم خان در چهل و یک شماره منتشر شد، از روزنامه‌های مهم این دوره می‌باشد که تأثیر شگرفی در رشد اندیشه قانون خواهی و انتقاد از اوضاع منحط داخلی داشت. یک نکته حایز اهمیت در مورد مطبوعات این است که با شروع عصر مظفری - یعنی ده‌های که منتهی به مشروطه شد - تأثیر روزنامه‌ها افزون‌تر می‌گردد، چون در این دوره هم ورود روزنامه‌ها به کشور با آزادی بیشتری نسبت به قبل صورت می‌گیرد و هم شمار روزنامه‌های انتقادی بیشتر می‌شود. "حبل‌المتین" که در این زمان در کلکته هند چاپ می‌شد، از بااهمیت‌ترین روزنامه‌های این دوره است. این نشریه که انتشار هفتگی داشت، از دیدگاه کسروی از همه روزنامه‌های آن زمان برجسته و بنام‌تر بود و یکی از مواردی که باعث رواج روزافزون آن گردید این بود که به نزد علما و نجف و حاهای مختلف فرستاده می‌شد و در این کار برخی تجار آزادخواه نقش داشتند (تنها حاج میرزا ابوالحسن تقی اوف، هزینه اشتراک پانصد شماره از حبل‌المتین را برای روحانیون نجف داده بود). این روزنامه گه‌گاه تارهایی را درباره گرفتاری‌های سیاسی ایرانیان می‌نوشت و در واقعه استقراض از روس مطالب نفی دربار را در بارها پیشنهاد قانون و حکومت مشروطه را می‌نمود. مردم دلبستگی بسیار به حبل‌المتین پیدا کردند و نویسنده آن جلال‌الدین کاشانی (مؤیدالاسلام) مشهور گردید. "ثریا" و "پرورش" چاپ سر و "الحدید با عدالت" چاپ تبریز دیگر روزنامه‌های مهم آن دوره‌اند.

"نشریات اصلاح طلب ترک زبان" چاپ استانبول و فقط از مثل "ارشاد"، "تازه حیات"، "ملانصرالدین" - نویسندگان آن نظرات خود را در قالب شعر و نمایان‌شده بیان می‌کردند و بسیار تأثیرگذار بود - هم در گسترش افکار نو و تحریک فعالیت‌های آزادخواهانه تأثیرگذار بودند. البته تأثیر این نشریات بیشتر در آذربایجان بود که مردم آن به زبان ترکی تکلم می‌کردند. به نظر می‌رسد اولین منادیان مشروطیت در آذربایجان - افرادی مثل سید حسن تقی‌زاده، محمد شبستری (ابوالضیاء)، صادق مستشارالدوله، محمدعلی تربیت و ... - از این نشریات بهره‌های زیادی برده باشند.

در واقع روی آوردن مردم به روزنامه‌ها را در آستانه مشروطه می‌توان نشانگر پیشرفت تکان و

بیداری عمومی قلمداد کرد^۱ به هر حال در پایان بحث روزنامه‌ها باید گفت که روزنامه‌ها از دو جهت از جمله زمینه‌های فکری مؤثر بر انقلاب مشروطیت بوده‌اند: اولاً به خاطر چاپ مقالات انتقادی از استبداد داخلی و استعمار خارجی باعث روشنگری دربارهٔ اوضاع منحنط داخلی و تکان عمومی شدند که منجر به انقلاب ملی گردید. دوماً به خاطر چاپ مطالب علمی و فلسفی جدید باعث رشد فکری و معلومات عمومی گردیدند. پس از اعطای فرمان مشروطه روزنامه‌ها به رشد و تکثر قابل توجهی دست یافتند که از ثمرات انقلاب مشروطه بود و در تاریخ ایران کمتر تکرار گردید. سرگذشت مطبوعات در این دوره مبحث دیگری است که مطبوعات در این دوران دارای کارکردهای مثبت و منفی متفاوتی بردند.

گذشته از روزنامه‌ها در این دوران چند کتاب انتقادی هم وجود دارند که علی‌رغم تعداد محدود، بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. "سیاسنامهٔ ابراهیم بیگ" اثر زین‌العابدین مراغه‌ای، ماجرای جوانی از بازرگان زادگان ایرانی در مصر است که به آرزوی دیدار میهن به همراه‌الله خود به ایران می‌آید و در پایتخت و سایر نقاط ایران هر چه دیده، از ناآگاهی مردم و سرگرمی آن‌ها به کارهای بیهوده و فربکاری برخی متظاهران و ستمگری حمرانان و بی‌پروایی دولت و مانند اینها را با زبانی ساده و شیرین نوشته است. این کتاب در واقع انتقادی همه‌جانبه نسبت به نکات منفی اجتماعی و اخلاقی و سیاسی موجود در جامعه و حکومت ایران است. بوه ایرانیانی که در آن روزگار خو به این آلودگی‌ها و بدی‌ها گرفته بودند و جز از زندگانی ناپسند خرید، نه گانی دیگری را گمان نمی‌بردند، از خواندن این کتاب‌گویی از خواب غفلت بیدار شده و تکان به حتی می‌خورند. مراغه‌ای در این کتاب از امین‌السلطان به بدی و از میرزا علی‌خان امین‌الدوله - به خاطر باره‌ای اقدامات اصلاح گرایانه‌اش - به نیکی یاد می‌کند.

طالبوف تیریزی در "کتاب احمد"^۲ خود با پسر خیالی‌اش احمد از پیروفت‌های اروپائیان و عقب‌ماندگی ایرانیان سخن می‌راند. "مسالك المحسنين" دیگر اثر انتقادی طالبوف است که این کتاب داستان چند نفر از اهالی تهران است که آهنگ قلۀ دماوند را کرده‌اند. نویسنده در این میان از چگونگی کارهای مردم و گرفتاری‌های کشور سخن‌ها به میان می‌آورد.^۳

^۱ علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، مطبوعات در عصر مشروطیت [مندرج در کتاب: انقلاب مشروطیت (از سری مقالات دانشنامهٔ ایرانیکا)، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمهٔ پیمان متین، تهران: امیرکبیر، ج دوم، ۱۳۸۳، صص ۱۴۷-۱۴۵ و کسروی، ۱۳۸۵، صص ۵۷-۵۵ و امانت، ص ۳۵ و کدی، ص ۱۱۸.

^۲ نام دیگر این کتاب سفینهٔ طالبی است.

^۳ کسروی، صص ۵۸-۵۷ و کدی، ص ۱۱۷.

۳) تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان: پیش از انقلاب مشروطیت، حوادث و تحولات مهمی در کشورهای دیگر به وقوع پیوست که رسیدن اخبار آن‌ها به ایران در افزایش آگاهی ایرانیان نقش مؤثری داشت. از جمله این‌گونه رویدادها را که ملت ایران را به تحرک و خودباوری رساند، می‌توان به مواردی چون "مشروطیت ژاپن"، "شکست روسیه از ژاپن"، "انقلاب ۱۹۰۵ م. روسیه" و ... اشاره کرد. مشروطیت ژاپن که بیشتر با نام "انقلاب میجی" معروف است، به ایجاد تحولی اساسی در نظام حکومتی آن کشور منجر شد. این انقلاب که در سال ۱۸۶۸ م. (۱۲۴۷ ش.) روی داد، سرآغاز دگرگونی اوضاع ژاپن بود و این کشور را به تدریج به مسیر ترقی کشاند. روزنامه‌هایی مثل *حبل‌المتین* و *حکمت پیوسته* از پیشرفت‌های کشور و مردم ژاپن برای خوانندگان خود مطلب می‌نوشتند.

حدود یک سال پیش از وقوع مشروطیت در ایران، میان دو دولت روسیه و ژاپن که هر دو در پی توسعه نفوذ خود در شرق آسیا بودند، جنگی اتفاق افتاد. در این نبرد کشور بزرگ و نیرومند روسیه که دارای نظامی استبدادی بود، از کشور کوچک و آسیایی ژاپن، به سختی شکست خورد. این شکست از اعتبار روسیه در نظر ایرانیان کاست و مردم ایران پیروزی مزبور را نمایشی از عملکرد مناسب نظام حکومتی ژاپن دانستند. در همان سال یک سالنامه ایرانی (میرزا حسینعلی تاجر شیرازی) در طی منظومه‌ای به نام "میکادونامه" به ستایش پیروزی ژاپن بر روسیه پرداخته و علت این پیروزی را حکومت مشروطه این کشور دانسته بود. در بیتی از این منظومه چنین آمده است:

ز مشروطگی گشت ژاپن بزرگ که شد چیره بر همچو خصم استرگ^۱

شکست روسیه از ژاپن، برای دولت استبدادی این کشور ضربه بزرگی بود. آزادیخواهان روسیه با استفاده از این وضع، بر فعالیت‌های خود برای سرنگون کردن حکومت استبدادی این کشور افزودند و سرانجام این مبارزات به تأسیس "مجلس دوما" در این کشور انجامید. رسیدن اخبار این حرکت انقلابی در برانگیختن ایرانیان علیه حکومت استبدادی قاجاریه نقش مؤثری داشت.^۱

۴) ریشه‌های دینی: در طول تاریخ دوره اسلامی پاره‌ای جنبش‌های عدالت‌خواهانه براساس تعالیم اسلامی شکل گرفته بودند. یکی از جنبه‌های مهم این جنبش‌های مردمی، مبارزه با سلطه‌طلبی بیگانگان و ستیز با ظلم و ستم فرمانروایان خودکامه بود. در ماجرای نهضت تنباکو (در بخش‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت) که از آن با عنوان تمرینی برای انقلاب مشروطه یاد شده

است، علمای دینی در رهبری آن نقش پررنگی داشتند و به‌طور کلی این نهضت دارای جنبه‌های قوی دینی بوده است. از جنبه‌های دیگر، نفوذ و قدرت علمای دینی در ایران بر روی توده‌های مردم، سابقه‌ای دیرین داشته است. در عصر قاجار در وقایعی مانند جنگ ایران و روس و ماجرای گریبایدوف، اعلان جهاد علما در به حرکت درآوردن مردم کارساز بوده است.^۱ (در رابطه با نقش علما در مشروطیت، به بخش طبقات، اقشار و گروه‌های اجتماعی ایران مراجعه شود.)

زمینه‌های عملی مشروطیت در ایران

۱- سیاسی

۱- الف - شکست برنامه‌های نوسازی و انحطاط حکومت: از دیگاه جان فوران، دیوانسالاران

قاجار در واکنش به تهدیدات جدید، با افزودن ناآرامی‌های داخلی و همچنین به خاطر روباوری‌های خارجی با غرب، که به دنبال پیروزی‌های نظامی بر فشارهای سیاسی و اقتصادی خود می‌افزود، تلاش جامعی را برای تقویت دولت و اصلاح اقتصادی آغاز کردند.^۲ این تلاش‌ها به سه مرحله "نوسازی" از بالا منتهی شد: ۱- اصلاحات عباس میرزا، ۲- عهد (که دنباله آن را تا حدودی وزیرش قائم‌مقام فراهانی پی گرفت) در عصر فتح‌علی شاه، ۳- اصلاحات امیرکبیر در اوایل عصر ناصر - ۳- اصلاحات سپهسالار در اواسط عصر ناصر. نکته قابل توجه در مورد اصلاح‌طلبان دولتی دوره قاجار این است که پیشگامان آن‌ها نظیر عباس میرزا، قائم‌مقام فراهانی و امیرکبیر همه رشد یافته آذربایجان، یعنی خط مقدم جبهه روسیه بودند.

نخستین حرکت نوسازی "نظام جدید عباس میرزا" بود. حضور ایرانی‌ها در زمان "ناپلئون اول"^۳ در ایران و اولین جنگ ایران با روس‌ها، عباس میرزای ولیعهد که حکمران آذربایجان هم بود، بر آن داشت که نیروهای خود را به سبک غربی آموزش نظامی داده و تعدادی از محصلین را هم برای آموزش‌های مربوطه به خارج از کشور بفرستد، تا بدین وسیله قدرت نظامی مملکت را در مقابل تهدیدات خارجی افزایش دهد. وی در برنامه‌های اصلاحی خود، بسیار از نیروی فکری صدراعظم خود - قائم‌مقام فراهانی - بهره می‌گرفت. شکست برنامه توسعه مدرن نمودن ارتش که توسط عباس میرزا پایه‌گذاری شده بود، نه تنها به خاطر فقدان رهبران نیرومند و اصلاح‌گرای قاجار

^۱ همان، ص ۸۲.

^۲ جان فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه

احمدتدین، تهران: رسا، چ هفتم، ۱۳۸۶، صص ۲۴۶-۲۴۷.

^۳ Napoleon Bonaparte

بعد از فوت او، بلکه همچنین به‌خاطر مخالفت نیروهایی بود که منافع خود را در عدم تمرکز قدرت می‌دیدند. بسیاری از رهبران قبائل با یک نیروی نظامی مرکزی که طبیعتاً نقش و استقلال آن‌ها را محدود می‌کرد، مخالف بودند. برخی از رجال دینی هم، کارشناسان نظامی غربی، تمرینات نظامی و به خصوص اونیفورم‌های نظامی ارتش‌های جدید را به چشم دست‌درازی‌های جهان کفر و بی‌دینی قلمداد می‌کردند. افسران ارتش و کسان دیگری که از اوضاع موجود در ارتش سابق منتفع بودند، هم مخالف اصلاح بودند.^۱ اقدامات صرفه جویانه نیز خصومت درباریان و مستمری بگیران و مالیاتچی‌ها، برانگیخت، تعرفه‌های جدیدش اعتراض غربی‌ها را در پی داشت و قشون جدید هم هراس رانین محلی را برانگیخت.^۲

دومین حرکت نهادهای دولتی در عصر قاجار "اصلاحات امیرکبیر" بود. محمدتقی فراهانی ملقب به امیرکبیر، در دستگاه عباس میرزا و قائم مقام بالیده و رشد یافته بود و متأثر از آن‌ها بود. وی اهداف بلند پروازانه را در زمینه انجام اصلاحات در نهادهای ایران مشخص کرد. سیاست‌های خاصی نظیر ایجاد کارخانه‌سازی دولتی، خدمت نظام وظیفه عمومی، حسابرسی و تعادل بودجه را در پیش گرفت. وی نخستین مدرسه عالی غیر مذهبی کشور - دارالفنون - را تأسیس کرد و نخستین روزنامه رسمی کشور - وقایع اتفاقیه - را انتشار داد. امیرکبیر مانند دیگر اصلاح‌طلبان شرقی، توجه اولیه‌اش معطوف به اصلاح ارتش بود. او این کار را با تغییر سازماندهی ارتش و تطبیق آن با الگوی کشورهای غربی و از طریق آموزش و تمرین سپاهیان جدید آغاز کرد. همه این سیاست‌ها بدین منظور اتخاذ گردید که دولت قاجار را از بحران تقویت کند، تا بتواند در برابر فشارهای خارجی و شورش‌های داخلی ایستادگی نماید و جوار خود را با آنچه بیش از فقدان نظرات متخصص و دانش فنی سد راه اصلاحات شد، مثل دوره عباس میرزا، اتلاف نیرومندی بود که از اصلاحات امیرکبیر زبان می‌دیدند. زمینداران بزرگ، مقامات دولتی، و دربارینی که دستشان از سوءاستفاده‌های کلان کوتاه شده بود، دست اتحاد به هم دادند و دور ملکه مادر جمع شدند که می‌خواست فرد مورد دلخواهش - آقاخان نوری - صدراعظم ایران شود. اینها ممکن بود اصلاحات امیر را تا زمانی که با قدرت نظامی پیشرفته‌تر شده‌اش تهدید بایی‌ها را با موفقیت از میان بردارد، حمایت کنند. اما همین که تهدید بایی‌ها از میان رفت، سعی کردند تا از شریک وی خلاص شوند. قتل امیرکبیر دومین نقطه عطف در تلاش اصلاح‌طلبان دولتی ایران بود که ناکام ماند. دو دهه بعد

^۱ کدی، صص ۷۹-۷۸.

^۲ ابراهامیان، ص ۴۹.

تقریباً تمام طرح‌های امیرکبیر برهم زده شد. ارتش از هم گسست، کارخانه‌ها تعطیل شدند و کسری بودجه مجدداً پدیدار گردید.^۱

بار دیگر در اواسط عصر ناصری اصلاحات در دستور کار قرار گرفت. این بار رهبری اصلاحات بر عهده "میرزااحسین‌خان مشیرالدوله (سپهسالار)" بود. او دو دهه قبل از رسیدن به مقام صدر اعظمی را در فرانسه، هند، تفریس و استانبول گذرانده بود و در این کشورها پیشرفت‌های جوامع غربی و تلاش‌های اصلاح‌طلبان در ممالک اسلامی را مشاهده کرد بود. سیاست‌های وی موجب نارضایتی‌های زیادی شد که در آغاز چندان نمودی نداشت، اما به‌دنبال واگذاری امتیاز به "رویتر" فرصتی برای برآز جود یافت. امتیاز رویتر از دید تجدد طلبان راه میان‌بری بود که بعد از شکست برنامه‌های امیرکبیر، ایران را سریعاً در مسیر توسعه و صنعتی شدن می‌انداخت. در حالی که صدراعظم تجدد خواه برای صنعتی کردن کشور چشم به غرب دوخته بود، تبلیغات شدید مخالفین وی را به استعفاء مجبور کرد و ناصرالدین شاه بار دیگر از اصلاحات لیبرالی دست کشید و به محافظه‌کاری سنتی سر باز زد. لاقه‌های روی آورد. مخالفین سپهسالار طیف متنوعی بودند، دسته‌هایی از درباریان که از کاهش مدارا و فشار ناراضی بودند، طرفداران روسیه که با نفس اعطای امتیاز به یک انگلیسی مخالف بودند و پادشاه از راجان مثل "ملاعلی کنی" که اعطای این قبیل امتیازات راباعت سلطه خارجی‌ها بر کشور می‌دانستند.^۲

آبراهامیان معتقد است در نیمه نخست قرن ۱۹ م. وی در برنامه بلندپروازانه دولت قاجار برای نوسازی سریع، تدافعی و دولتی ناکام ماند، در نیمه دوم این قرن به اصلاحات جزئی پرداخته شد. اما در این اصلاحات به جای آن که با غرب مقابله شود، همکاری و سدر به جای آن که جامعه را در برابر دول خارجی تقویت کند، دولت را در برابر جامعه تقویت کرد. و به نفعی نسبتاً منفی به این اصلاحات دارد. آبراهامیان معتقد است اصلاحات سپهسالار به جای آن که به تغییر سریع منجر شود، حرکتی بطنی به سوی تغییر بود. به جای آن که کشور را در برابر دشمن خارجی حفظ کند، حامی دربار در برابر مدعیان داخلی بود و به جای حمایت از اقتصاد ملی، توجه غربیان را به اقتصاد ایران جلب کرد. شاخصه این روند واگذاری امتیازات به خارجی‌ها بود که "کرزن" امتیاز رویتر را

^۱ فوران، صص ۲۴۸-۲۴۷ و آبراهامیان، ص ۴۹ و کدی، صص ۹۲-۹۱.

^۲ فوران، صص ۲۴۹-۲۴۸ در مورد امتیاز رویتر ذکر این نکته ضروری است که فارغ از انگیزه‌های سپهسالار، دادن این امتیاز با آن شرایط، معنایی جز واگذاری بسیاری از ذخایر و استقلال کشور به یک تبعه خارجی نداشت و به هیچ وجه قابل دفاع نمی‌باشد.

شگفتی قرن و همچنین: «کامل‌ترین واگذاری همه منابع یک کشور به بیگانگان است که تاریخ بشر به انجام که هیچ به فکر کسی رسیده است.»^۱

به نظر نیکی کدی سپهسالار به این خاطر امتیاز رویترا را اعطا کرد که، احتمالاً وی تنها راه مدرن کردن ایران و جلوگیری از سقوط بیشتر آن به دامن روس‌ها را این می‌دانست که ابتکار توسعه حمل و نقل، معادن، بانکداری، صنعت و کشاورزی را به دست انگلیسی‌ها بسپارد. کدی معتقد است، سپهسالار کوشش‌هایی را در زمینه‌های اصلاح ارتش و نظام قضائی به عمل آورد، اما مثل سایر مصلحین با منافع به خطر افتاده گروه‌های مختلف مواجه شد. از تحولات پربرکت‌تری که میرزااحمدین‌خان ایجاد نمود، یکی متمرکز ساختن بیشتر نظام قضائی کشور و دیگری معرفی یک سیستم حکومتی براساس هیئت وزیران بود که در آن نه وزیر شرکت داشتند و هر کدام از آن‌ها وظایف معینی را بر عهده می‌گرفتند. تعیین وظایف دولت در ایران امر نوظهوری بود.^۲ در این مورد کسروی می‌نویسد: «یک کاردای نیک او این بود که وزارتخانه‌ها و درباری به آیین اروپا پدید آورد. پیش از آن برخی وزارتخانه‌ها می‌بود ولی مرز و سامانی در میان نبود، و شاه یا صدراعظم به همه کارها درآمدی و فرمان دادی. سپهسالار چنین نهاد که یک صدراعظم و نه وزارتخانه برپا شود بدین‌سان: وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیات، وزارت عدلیه، وزارت علوم، وزارت فواید، وزارت تجارت و زراعت، وزارت «ربار»^۳ می‌توان این چنین جمع‌بندی کرد که برخلاف اصلاحات عباس میرزا و امیرکبیر که اجماع صاحب‌نظران به مثبت بودن آن‌ها برای کشور بود، در مورد اصلاحات سپهسالار نظرات متفاوتی (مثبت، منفی، بی‌بینه) برآز شده است.

با وجود آن که سه مرحله اصلاحات دولتی در این دوران به نظر ناکام ماند، اما به‌طور کلی مسائل ملموس اصلاحات در دوران قاجار را این موارد می‌توان برشمرد: تمرکزگرایی، صنعتی شدن و استقلال ملی.^۴

باید توجه نمود که مشروعیت سلسله قاجار در طی سده ۱۹ م. به دلایلی زیر سؤال رفت، برخی از آن‌ها را این چنین می‌توان برشمرد: ۱- شکست ایران از روسیه و از دست دادن اراضی وسیعی از شمال غرب و شمال شرق کشور ۲- شکست ایران از انگلستان و از دست دادن افغانستان و بخش

^۱ ابراهامیان، صص ۵۱-۴۹.

^۲ کدی، صص ۱۰۱-۹۹.

^۳ کسروی، ص ۱۷.

^۴ فوران، ص ۲۲۹.

وسیع‌تری از بلوچستان ۳- شکست سلسله اصلاحات دولتی ۴- واگذاری امتیازات گوناگون استعماری. نکته مهم این است که بحران مشروعیت دولت قاجار که مسأله‌ای سیاسی بود دارای ریشه‌های سیاسی (سرکوب و خودکامگی در داخل، ضعف در برابر غرب)، اقتصادی (وابستگی به وام‌های خارجی، بازرگانی خارجی، نبود کنترل بر گمرک) و فکری (آگاهی توده‌ها به این که دولت قاجار از حفظ هویت اسلامی یا منافع ملی کشور ناتوان است) بود.

"ضعف و عدم قاطعیت مظفرالدین شاه" را هم از دیگر عوامل انحطاط سیاسی قاجارها دانسته‌اند، هرچند که در نظامی دموکراتیک و تثبیت یافته این ویژگی می‌توانست دارای وجوه مثبتی هم باشد. این ضعف باعث شد که فعالیت سیاسی نیروهای تحول خواه سرعت و انسجام بیشتری به خود بگیرد. یکی از نشانه‌های پویایی فعالیت سیاسی در این دوره، پدید آمدن "تشکل‌های سیاسی مخفی" می‌باشد، که در راه انقلاب پیش رو نقش مهمی را ایفاء کردند. مرکز غیبی، حزب اجتهاد، غیور، عامیون (باشعباتش)، کمیته انقلابی و انجمن مخفی از جمله مهم‌ترین آن‌ها بودند.^۲

۱- ب- **سلطه خارجی:** نکته اساسی در مورد سلطه خارجی این بود که در این دوران، تکیه ایران بر نیروهای اقتصادی غرب، ضعف نظامی و سیاسی این کشور، کوشش دولت ایران در جلب نظر و موافقت غربی‌ها و حفاظت قاجارها توسط روس و انگلیس در مقابل قیام‌های مردمی، ایران را تبدیل به کشوری نموده بود که استقلال بسیار محدودی داشت و سیاست واقعی آن غالباً در ماورای دریاها تعیین می‌گردید.^۳

یک عامل کلیدی که تسهیل‌کننده سلطه خارجی در این دوران می‌شد، ناآگاهی عموم مردم و دولت‌مردان قاجار از اوضاع جهانی و فنون دیپلماسی بود. نمایندگانی که در سال ۱۲۰۹ ه. ق. (۱۷۹۶ م.) به دولت فرانسه چنین گزارشی دادند: «ما در ایران کسی را نیابیم که از اتفاقات بزرگ اروپا اطلاعی داشته باشد، حتی صحبت جنگ را هم نشنیده‌اند. همگی را بی‌اطلاعی کامل از اتفاقات خارج از کشور خود می‌باشند، و به نظر ما می‌رسد که علاقه‌ای نیز به آگاه شدن به این

^۱ همان، ص ۲۶۹.

^۲ آبراهامیان، ص ۷۰.

^۳ همان، ص ۷۱.

^۴ اولیویه و برونیه.

وقایع ندارند.^۱ همچنین مانند عرصه‌های داخلی، در سیاست خارجی هم در این دوران تمام امور تحت اختیار شخص شاه بود،^۲ هیچ‌کس اجازه نداشت سفرای خارجی را بدون اجازه شاه بپذیرد، هیچ قراردادی بدون موافقت او تنظیم نمی‌شد، هیچ یک از وزرای خارجه بدون اجازه شاه تصمیمی نمی‌گرفت و حتی وزرا جرأت نداشتند سیاستی را که برخلاف میل شاه بود به او توصیه کنند. در دوره فتحعلی‌شاه وقتی یکی از دیپلمات‌های بیگانه توصیه کرد که دولت ایران اتحاد با فرانسه را کنار بگذارد، به وی جواب داده شد: «شما خود را به جای ما بگذارید و بیاد داشته باشید که اگر پیشنهادات ما مورد قبول شاه نباشد، ممکن است جان خود را از دست بدهیم.»^۳ روشن است که وقتی تمام تصمیمات سیاست خارجی یک کشور در دست یک نفر - فردی که کوچکترین اطلاعی از سیاست دیپلماتیک و مسائل جهانی ندارد - باشد، نفوذ و سلطه بر آن کشور قاعده‌آ کار چندان شکل نخواهد شد، با در نظر گرفتن این مسئله که در این زمان ممالک اروپایی از دیپلمات‌های بسیار زیادی برخوردار بودند.

از ابتدای قرن نوزدهم، دور خارجه می‌کردند که نفوذ خود را در ایران از طرق مشروع و غیرمشروع توسعه دهند، به‌طوری که کم‌ریش نیز در این راه موفق شدند. راه‌های نفوذ خارجی‌ان در سیاست ایران بسیار بود. وضع سیاسی داخلی، ناساد بعضی از مأمورین دولت، رقابتی که بر سر جانشینی شاه برقرار بود، منافع تجاری بعضی از مأموران دولت به خصوص در جنوب، از جمله عواملی بود که به خارجی‌ان کمک کرد تا این که نفوذ و خارج از اندازه در اداره سیاست خارجی ایران به دست آورند. نفوذ فرانسویان در ایران زودگذر بود و از خد اثرش برجای نگذاشت. روس‌ها اغلب سعی می‌کردند، با زور و بدون توجه به خصوصیات اخلاقی ایرانیان، منافع خود را تحمیل کنند، ولی نفوذ زیادی بر مأمورین دولتی - به استثنای برخی از افرادی که در تبریز بودند - نداشتند. انگلیسی‌ها برعکس، از هر راهی برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کردند و اغلب نیز موفق می‌شدند. آن‌ها عموماً از آنچه در دربار شاه و ولیعهد می‌گذشت مطلع می‌شدند. در سال‌های آغازین قرن نوزدهم انگلیس مأمورین قابلی در ایران داشت، که هم از اتباع خود انگلیس و هم از

^۱ منصوره اتحادیه (نظام مافی)، گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران، تهران: آگاه، ۲۵۳۵، ص ۱۲.

^۲ در دوره قاجار عباس میرزا تنها مورد استثناء در این قضیه بوده است. وی در مذاکراتی که با روس‌ها داشت، از استقلال نسبی برخوردار بود، البته این استقلال هم تفویض شده از طرف شخص شاه به وی - به‌خاطر کاردانی ذاتی‌اش - بود.

^۳ همان، صص ۲۱-۲۰.

ایرانیان بودند. انگلیسی‌ها با بعضی از وزرای ایران روابط نزدیک داشتند و با هدایا و پول از آن‌ها اطلاعات کسب می‌کردند و یا آن‌ها را وادار به پشتیبانی از مقاصد خود می‌نمودند. علاوه بر عمال رسمی، همیشه عده‌ای از وزرا از روی عقیده و یا منفعت مالی برای انگلیسی‌ها کار می‌کردند. این دولت گاهی از بی‌خبری ایرانیان از دنیای خارج و تعصب مذهبی آن‌ها هم به نفع خود استفاده می‌کرد.^۱ البته نباید فراموش کرد که این نفوذ مطلق سیاست انگلیس در ایران بیشتر مربوط به دوره فتح‌علی‌شاه می‌باشد و پس از آن عواملی چند باعث شد که میان نفوذ روس و انگلیس در ایران موازنه برقرار شود. یکی از این عوامل دخالت دولت انگلیس در جدایی افغانستان از ایران بود. دیگر عامل این بود که پس از ماجرای قتل گریبایدوف، روس‌ها طرز سلوک خود را با ایرانیان عوض کردند و خشونت قبلی خود را کنار نهادند.^۲ این موازنه در نفوذ روس و انگلیس در ایران هر چند که منجر به رقابت آن دو و حفظ استقلال ایران در ظاهر شد، ولی در واقع ایران به دو حوزه نفوذ آن دو ابرقدرت درآمده بود. به‌طور کلی نفوذ روس‌ها بیشتر در شمال ایران و نفوذ انگلیسی‌ها بیشتر در جنوب این کشور بود. در پایان این مبحث باید خاطر نشان کرد، معاهداتی که در این دوران ایران با کشورهای خارجی منعقد کرد، از حیث پدیده جدیدی در هیچ یک از ادوار تاریخ این سرزمین سابقه نداشته‌اند، به‌طوری که تا به امروز "تراژدی" که "جائی" به‌عنوان یک ضرب‌المثل برای قراردادهای یک طرفه باقی مانده است.

۲- اقتصادی

۲- الف - انحطاط اقتصاد خارجی: اگر "عهدنامه‌ها" را به‌عنوان شاخصی از سیاست خارجی دوران قاجار قلمداد کرد، دو عامل "امتیازات" و "انتقراض خارجی" را هم باید شاخص اقتصاد خارجی این دوران دانست. در طول دوره قاجار، اقتصاد ایران بر اثر تأثیر غرب، که به‌طور روزافزونی صنعتی و توسعه‌طلبانه می‌گردید، به تدریج دگرگون شد. هر چند قبل از دوره قاجار - به خصوص در دوره صفوی - هم مراودات تجاری با غرب وجود داشت، اما انقلاب صنعتی غرب را دگرگون کرده و طبیعتاً بر نوع مراودات آن هم با سایر نقاط جهان تأثیر نهاده بود.^۳

^۱ همان، صص ۴۵، ۴۰.

^۲ همان، ص ۴۸.

^۳ کدی، ص ۵۱.